



قرارگاه حنین در عملیات خیبر در گفت‌وگو با برادر عزیز جعفری

راوی: علیرضا تاجیک*

تنظیم: محمدجواد اکبرپوربازرگانی**

<p>عملیات خیبر یکی از مهم‌ترین عملیات‌های جمهوری اسلامی ایران پس از عملیات رمضان بود. این عملیات در منطقه جنوب و شمال شهر بصره عراق طرح‌ریزی شد. اگرچه عملیات خیبر نتوانست به هدف اصلی خود که بستن جاده بصره-عماره و رسیدن از سمت زید به نشوه بود، دست یابد، ولی سه هفته نبرد سنگین، منطقه‌ای در آبگرفتگی هور به وسعت حدود هزار کیلومتر مربع به همراه جزایر مجنون شمالی و جنوبی با ذخایر عظیم نفت به تصرف درآمد. علاوه بر این عملیات خیبر، تفکر نظامی در سپاه را به بلوغ رساند و چنانچه اهداف عملیات به صورت کامل محقق می‌شد، می‌توانست در صحنه عملیات تحول به وجود آورد. این نبرد سطح تفکر و عملیات نظامی سپاه را از عملیات خاکی به آبی-خاکی ارتقا داد و زمینه عملیات‌های بعدی بدر و فلو نیز فراهم شد.</p> <p>پیاده نوارهای ۱۴۲۸۷ و ۱۴۲۸۸ به گفت‌وگوی علیرضا تاجیک راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، با محمدعلی جعفری فرمانده قرارگاه حنین در عملیات خیبر اختصاص دارد. در این مصاحبه که در تاریخ ۱۳۳۱/۱/۲ و ۱۳۳۱/۱/۱۶ توسط علیرضا تاجیک ضبط شده است در مورد اقدامات و فعالیت‌های انجام شده جهت طرح‌ریزی و اجرای عملیات خیبر با محوریت عملکرد قرارگاه حنین در قبل، حین و بعد از عملیات می‌باشد.</p> <p>واژگان کلیدی: جنگ ایران و عراق، استراتژی تنبیه متجاوز، عملیات خیبر، قرارگاه حنین، عزیز جعفری، قرارگاه حنین.</p>	<p>چکیده</p>

مقدمه

که انجام عملیات موفق بزرگ در جبهه جنوب، در تحقق تنبیه متجاوز به عنوان استراتژی جنگ بسیار مؤثر خواهد بود.

منطقه عملیات از نظر جغرافیایی، در شمال بصره قرار دارد که از شمال به العزیر و روستاهای البیضه و الصخره، از جنوب به نشوه و طلائییه، از غرب به جاده عماره - بصره و از شرق به حاشیه ساحلی هور که نزدیک جاده سوسنگرد - طلائییه است منتهی می‌شود. موقعیت‌های مزبور در خشکی شرق دجله، جنوب جزایر مجنون و داخل هور قرار دارند.

در طرح مانور این عملیات دو محور مستقل با هدف تصرف بصره، برای انجام عملیات انتخاب شد؛ هورالهیوزیه و زید. در محور هور، قرارگاه نجف

بعد از مسدود شدن راه پیشروی به سوی بصره در عملیات رمضان و نیز بی‌نتیجه بودن محور انتخاب شده به سمت العماره در عملیات والفجر مقدماتی، تلاش برای انتخاب زمین مناسب برای عملیات بعدی آغاز شد. منطقه هورالهیوزیه برای عملیاتی بزرگ در سال ۱۳۶۲ انتخاب شد. عملیات خیبر، ابتکار عملی بی‌نظیر در جنگ تا آن زمان (سال ۱۳۶۲) به شمار می‌رود. انجام عملیات خیبر در شمال بصره، از اهمیت استراتژیک برخوردار بود. از لحاظ استراتژی نظامی و اهداف آتی جنگ، هدف عملیات خیبر، تصرف شهر بصره بود. افزون بر این، مسئولان سیاسی و نظامی کشور معتقد بودند

* راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه
** پژوهشگر جنگ ایران و عراق و کارشناس گروه مطالعات نظامی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

حضور نیروهای ایرانی در هور را خطری برای جاده بصره - العماره می‌دانست، با اجرای آتش شدید و توان پیاده و زرهی می‌کوشید جزایر مجنون را بازپس گیرد. این در حالی بود که نیروهای خودی خسته از چند روز جنگ، نداشتن عقبه نزدیک و نیز عدم حمایت آتش توپخانه، به مقاومت خود ادامه می‌دادند. متقابلاً، دشمن با تمرکز صدها قبضه توپ روی جزایر و بمباران مداوم آنها با هواپیما و نیز در اختیار داشتن عقبه خشکی با واحدهای زرهی خود فشارهای متعدد و طاقت فرسایی را وارد می‌ساخت.

به رغم وضعیت یاد شده، نیروهای خودی می‌کوشیدند به هر صورت ممکن جزایر را حفظ کنند. براین اساس، سپاه پاسداران با تمامی استعداد خود جهت دفع تهاجمات دشمن و حفظ جزایر در آنجا استقرار یافت. در این میان، شهادت و جراحت تنی چند از فرماندهان سپاه به مقاومت نیروها جلوه‌ای خاص بخشیده بود.

سرانجام، دشمن که در مقابل خود مقاومتی غیرقابل تصور و پیش‌بینی نشده مشاهده می‌کرد، به تدریج از بازپس‌گیری جزایر ناامید شد و به تحکیم مواضع پدافندی خود پرداخت.*
مصاحبه پیش‌رو گفت‌وگوی علیرضا تاجیک راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، با محمدعلی جعفری فرمانده قرارگاه حنین(قرارگاه نجف سابق) درباره عملیات خیبر با تمرکز بر نقش قرارگاه حنین می‌باشد. در این مصاحبه درمورد

* محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق - جلد سوم، از خرمشهر تا فاو، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، صص ۸۵ - ۸۰

این عملیات در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۳۶۲/۱۲/۳ با رمز "یا رسول‌الله" آغاز شد. در مرحله اول، نیروهای قرارگاه نجف با تهاجم سراسری در مناطقی همچون تنگه و شهر القرنه، جاده بصره - العماره و نیز جزایر شمالی و جنوبی مجنون استقرار یافتند. در این میان، قرارگاه کربلا که در محور زید وارد عمل شده بود، از دست‌یابی به کم‌ترین موفقیتی باز ماند و به همین دلیل یگان‌های ارتش به مواضع قبلی خود بازگشتند. در مرحله دوم عملیات، دو تلاش اصلی در محور جزایر مجنون و طلائی به منظور الحاق و سپس پیش‌روی به سمت نشوه در نظر گرفته شد؛ بنا به عللی پیش‌روی انجام نشد. در مقابل، دشمن به تدریج خود را بازیافته و پس از کشف اهداف عملیات و محورهای اصلی تک، تلاش اصلی خود را ابتدا روی پاک‌سازی حوالی جاده بصره - العماره گذارد و سپس روی طلائی متمرکز شد.

در ادامه عملیات، پس از آن که محور "زید" با عدم موفقیت مواجه شد، لشکر ۱۴ سپاه پاسداران که تحت امر قرارگاه کربلا (ارتش) بود، آزاد شده و به همراه لشکر ۲۷ ماموریت طلائی را بر عهده گرفت. در آن شب نبردی سخت درگرفت که تا صبح به طول انجامید. در این میان، فشار دشمن همچنان ادامه داشت و با آنکه محور جاده طلائی - به طول ۶ کیلومتر - در اختیار نیروهای خودی بود، لیکن وسعت کم منطقه مانور و آتش انبوه و بسیار زیاد دشمن، پیش‌روی و الحاق با محور جزایر مجنون را ناممکن ساخته بود. لذا از ادامه عملیات در طلائی صرف نظر شد و به این ترتیب اهداف عملیات خیبر به حفظ جزایر مجنون محدود شد.

بر همین اساس و با توجه به فشارهای دشمن، مرحله سوم عملیات به منظور تثبیت موقعیت خودی در جزایر انجام شد. دشمن که هرگونه

جلد سوم، تنبیه متجاوز، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، صص ۱۲۶ - ۱۳۴

از تاریخ بیست‌وهشتم به بعد که دیگر دشمن تقریباً متوجه عملیات شد نیروی زیادی را داخل جزیره آورد و شروع کرد به تقویت این نیروها.

انجام می‌دادیم. از زمانی که قرار شد برادر محسن و جناب سرهنگ شیرازی به صورت دو قرارگاه جدا؛ یعنی ارتش و سپاه به صورت دو قرارگاه جدا عمل بکنند و قرارگاه خاتم که در رأسش آقای [آیت‌الله] خامنه‌ای بودند هماهنگ‌کننده آن دو باشند، این اسامی نجف و کربلا را آنها پیشنهاد دادند و قرارگاه نجف شد قرارگاه سپاه شد و قرارگاه کربلا قرارگاه ارتش. بعد از آن، با مشورت برادر محسن قرار شد قرارگاه نجف و کربلای سابق قرارگاه حنین و بدر باشند و شکلش هم همان بود، منتها گفتم به حالت تاکتیکی که قرارگاه اصلی ما در غرب بود و الآن هم هنوز هست ولی به حالت تاکتیکی با واحدهای ستادی آمدیم اینجا و مستقر هستیم و داریم درخصوص عملیات کار می‌کنیم. خود شکل تشکیلات قرارگاه حنین یک مقداری به دلیل موضوع حفاظت این گونه بود؛ یعنی اهمیت عملیات خیبر که از ابتدا موضوع مهم این عملیات حفاظت بود. در صورتی این عملیات قابل اجرا بود که لو نرود و اگر لو می‌رفت عملیات باید متوقف می‌شد. معمولاً در هر عملیاتی حدود دو ماه و بعضی وقت‌ها سه ماه قبل از هر عملیاتی قرارگاه می‌رود مستقر می‌شود، کار می‌کند، به لشکرها خط حد و منطقه می‌دهند، شناسایی می‌کنند و روی طرح مانور کار می‌کنند، ولی اگر قرارگاه‌ها از قبل به دلیل وضعیت خاص و مانور خاصی که داشت این گونه عمل کند، عملیات لو می‌رفت و کلاً شیوه این عمل با گذشته فرق می‌کرد. به همین دلیل حدود یک ماه، یک ماه و نیم قبل از عملیات فقط چهار نفر یا پنج نفر از سپاه می‌دانستند که کجا می‌خواهد عملیات بشود. آن هم فرماندهان دو قرارگاه بودند؛ یعنی برادر رحیم و برادر رشید و هرکس هم می‌خواست توجیه بشود قبل از عملیات فقط برادر محسن اجازه می‌داد. این بود که ما بعد از یک مدتی، یعنی پانزده روز، ده روز قبل از عملیات، پانزده روز قبل از عملیات اجازه

موضوعات مختلفی نظیر تشریح منطقه عملیاتی، وضعیت دشمن، غافلگیری عملیات، طرح مانور، شرح عملیات، مساله فرماندهی، نحوه کار با ارتش و ... گفت‌گو شده است. این مصاحبه به علت اینکه یکی از فرماندهان مهم حاضر در صحنه تنها پانزده روز پس از پایان عملیات خیبر به تشریح اقدامات و فعالیت‌های خود پرداخته است به عنوان یک سند دست اول و منبع درجه یک از ارزش و اعتبار بسیاری برخوردار است.

چگونگی تشکیل قرارگاه حنین - بررسی طرح مانور عملیات*

راوی: مصاحبه با برادر عزیز جعفری فرمانده قرارگاه حنین، تاریخ ۱۳۶۳/۱/۲، درخصوص عملیات خیبر. بسم‌الله الرحمن الرحیم. برادر جعفری، درباره عملیات خیبر یک سری سؤالات در ذهن داریم که خواهش می‌کنیم به آنها پاسخ بدهید. سؤال اول درباره تشکیلات قرارگاه حنین است و چگونگی تشکیلات آن با ذکر تعداد تیپ‌ها و لشکرها که زیر امر و تابع شما بودند.

برادر عزیز جعفری: بسم الله الرحمن الرحیم. لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم. قرارگاه حنین همان قرارگاه نجف سابق است که در غرب مستقر بود و حدود یک ماه قبل از عملیات درخصوص خود منطقه عملیات، آن‌هم شخصاً خود ما فقط توسط برادر محسن [رضایی] توجیه شدیم و به طور مخفی از غرب به جنوب آمدیم و مدت حدود بیست روز شخصاً کار می‌کردیم در منطقه برای آماده کردن منطقه عملیات و در آن دو سه روز اول، حتی فرمانده لشکرها هم از عملیات هیچ چیزی نمی‌دانستند و تقریباً کار فرمانده لشکرها را هم ما

* نوار شماره ۱۴۲۸۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه با برادر عزیز جعفری فرمانده قرارگاه حنین در عملیات خیبر، راوی: علیرضا تاجیک، تاریخ ضبط: ۱۳۶۳/۱/۲، در منطقه جدید قرارگاه نجف، مدت نوار ۲۰ دقیقه.



از راست: داوود رنجبر از راین مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در حال ضبط گفتگوی برادر عزیزی جعفری، احمد غلامپورو چند نفر از برادران مخابرات.

بحث‌های جدیدی شد و دوباره قرارگاه فتح و ما را مشترک کردند و گفتند قرارگاه فتح هم زیر نظر شما باید باشد، که البته این مطلب را ما قبول نداشتیم و می‌گفتیم در عمل پیاده نمی‌شود و ما نمی‌توانیم در عمل مخصوصاً وقتی که عقبه ما هم روی آب هست و می‌رویم پشت سر نیروها داخل جزیره، از بیرون، آن خشکی را هدایت بکنیم و یا بخواهیم عملیات را کنترل و هدایت بکنیم. این را به آنها گفته بودیم و نپذیرفتند و دستور دادند و ما هم قبول کردیم، ولی در عمل بعد از دو سه روز که از عملیات گذشت و ما آمدم در جزیره خودبه‌خود قرارگاه فتح دوباره ارتباطش با قرارگاه نجف مستقیم شد و آن جدا شد و ما شدیم همان تیپ سیدالشهدا(ع)، لشکر علی بن ابی طالب(ع) و [لشکر] ثارالله هم تا ده پانزده روز بعد از عملیات احتیاط بود و ما با ۱۷ علی بن ابی طالب(ع) و ۱۰ سیدالشهدا(ع) بیشتر کار می‌کردیم تا اشغال جزیره و پاک‌سازی همین نیمه غربی جزیره و به‌اضافه جزیره شمالی که مسئولیت قرارگاه حنین بود پاک‌سازی شد و حالا تا مراحل بعدی که تغییرات را باید بعداً بگوییم.

پیدا کردیم به معاونمان به آقای [امین] شریعتی و مسئول اطلاعاتمان بگوییم و آنها را بیاوریم با خودمان به جنوب و باز آنها هم به‌طور فردی شروع به کار کنند. این است که تقریباً فرد بود که اینجا کار می‌کرد نه تشکیلات، مخصوصاً قبل از عملیات. تعداد تیپ‌ها و لشکرهایی که داشتیم یک مقداری متغیر بود و آن چیزی که حدود ده روز قبل از عملیات مشخص شد، تیپ ۱۰ سیدالشهدا(ع)، لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع)، لشکر ثارالله و لشکر محمد رسول‌الله(ص) بود. با آن تیپ‌ها هم که مدتی بحث کردیم درباره قرارگاه و تشکیلات و نحوه مانور و به این نتیجه رسیدیم که ما باید دو قسمت بشویم چون دو محور از آب در منطقه هور داشتیم و یک محور از خشکی. ما نظرم آن بود که این باید از هم جدا بشود و یک قرارگاه جدایی تشکیل بشود که برادر محسن هم پذیرفتند و قرار شد که لشکر رسول‌الله(ص) یک قرارگاه لشکری به نام قرارگاه فتح بزند و تیپ‌ها هم بمانند و تیپ ۲۰ رمضان را زیر امرش بگیرد که او این کار را کرد، ولی باز مجدداً دو روز یا سه روز قبل از عملیات یک

میزان آمادگی قرارگاه و چگونگی توجیه یگان‌ها و واحدهای تحت امر

منطقه میانی؛ یعنی جبهه میانی و سایت در منطقه [عملیاتی] والفجر مقدماتی و چون ارتش آمادگی عملیات در این تاریخ را نداشت خودبه‌خود پنج شش روز عملیات عقب افتاد و این موضوع مقداری هم البته از لحاظ حفاظت به ما ضربه زد و حدود پنج شش روز بعد، یعنی بیست‌وهشتم به بعد عملیات دیگر لورفته بود و این میزان آمادگی البته بس بود. یعنی این مدتی که عقب افتاد همه آماده شدند و از لحاظ زمان مشکلی برای آمادگی نبود. همه آماده شدند طبق آن تاریخ، ولی مشکلی که بود همان ناهماهنگی بین دو امر حفاظت و گرفتن اعلام آمادگی بود؛ یعنی هماهنگی بین ارتش و سپاه و آمادگی‌شان که چون این نبود خودبه‌خود این طرح عقب افتاد و اشکال چند روز لورفتن پیش آمد، ولی خوب بود. یعنی کاری که می‌خواستیم و اهدافی که می‌خواستیم انجام دادیم و ضربه زیادی این موضوع حفاظت نتوانست به ما بزند و حفاظت الحمدلله خوب رعایت شد باوجود اینکه در حداقل زمان همه آماده شدند.

تشریح منطقه عملیاتی در ابعاد گوناگون

راوی: منطقه عملیاتی از نظر جغرافیایی، نظامی، اقتصادی و سیاسی چگونه بود؟
برادر عزیز جعفری: منطقه عملیاتی که همان منطقه شرق بصره بود و هدفی هم که برای این عملیات بود خود بصره بود، منتها این منطقه عملیاتی که انتخاب شد در شمال بصره، این باتلاق هورالهوریزه (هورالعظیم) دلیل واضحی برای انتخاب این منطقه وجود داشت. ما در هر عملیاتی و عملیات‌های بزرگی که تا الآن داشتیم یک نقطه‌ضعف همیشه از دشمن می‌گرفتیم و باوجود کمک‌ها و امدادهای غیبی و الهی ما آن نقطه‌ضعف را از دشمن می‌گرفتیم و آن نقطه‌ضعف برای رسیدن به پیروزی به ما

راوی: میزان آمادگی قرارگاه و نیروهای تحت امر، قبل از عملیات چقدر بود؟

برادر عزیز جعفری: به دلیل همان مسئله حفاظت سعی می‌شد که از حداقل زمان برای توجیه افراد استفاده بشود، به عنوان مثال، فرماندهان لشکرهای عمل کننده قرار بود یک هفته، ده روز قبل از عملیات توجیه بشوند، چون

عملیات چهار یا پنج روز عقب افتاد، حدود دو هفته قبل از عملیات توجیه شدند. بعد آنها یک مدتی چهار یا پنج روزی اجازه نداشتند که به معاونشان یا مسئول واحدهایشان بگویند معاونین و مسئولان واحدها حدود یک هفته قبل از عملیات توجیه شدند. به دلیل اجباری که داشتیم در رعایت مسئله حفاظت مجبور بودیم که زمان را کم بکنیم. این یک مقداری از آمادگی می‌کاست و قرار بود تاریخ ۲۸ بهمن

عملیات انجام بشود که برای این آمادگی‌ها هم می‌نشستیم درباره طرح زمان‌بندی ساعت‌ها صحبت می‌کردیم. چون اکثر لشکرهایمان غرب بودند؛ اکثراً که نه نصفشان را برای رعایت این مسئله، در غرب نگه داشته بودیم و قرار بود که آنها طی چند مرحله و دو مرحله یا سه مرحله منتقل بشوند به منطقه عملیات که برنامه زمان‌بندی‌اش هم انجام شد و قرار بود که آنها برای بیست‌وهشتم بیابند پای کار و آماده بشوند. این بود که یک مرحله انتقال شروع شد به

در بحث مانور همه می‌دانستیم که داریم از یک جناح ضعیف دشمن استفاده می‌کنیم و این یک حرکت فوق‌العاده‌ای بود منتها می‌دانستیم که این حرکت بدون عقبه است.

را گذاشت اینجا برای شناسایی و به آنها هدف داد که این هور را گویایش کنند و شناسایی اش کنند و خودش هم مرتب سرکشی می کرد، بدون اینکه حتی برادر رحیم یا رشید بدانند، هیچ کدام نمی دانستند. او آنجا را کار می کرد و در همان فاصله عملیات والفجر ۲، ۳ و ۴ را انجام می دادیم و خود برادر محسن هم گاهی می آمد، ولی در ذهنشان عملیات اصلی شرق بصره با استفاده از این جناح هور هم که خیلی هم به آنها قوت می داد در حال طرح ریزی و کار و

آماده کردن بود. خود این هور بین یک باتلاقی است که از آب های کرخه - عمدتاً از آب کرخه و مقداری از آب دجله - تأمین می شود و یک منطقه وسیعی است تقریباً به عرض ۴۰ کیلومتر و به طول حدود شاید ۶۰ الی ۷۰ کیلومتر که شمالش به منطقه بستان و چزابه و از خاک عراق عماره است و از جنوبش ختم می شود به نشوه و القرنه که در شمال بصره است و در شرق دجله که در واقع مرز ما از وسط این هور رد

می شود. ارتفاع آب این هور حدود یک متر و نیم الی دو متر است و اکثراً وسطش نیزار است و اصلاً یک فرهنگ خاص خودش را هم دارد؛ یعنی از قدیم الایام هست و فرهنگ خاص خودش را دارد، حتی یک عده ای از مردم در آنجا زندگی می کنند، در وسط این هورها ماهیگیری می کنند و... هور برای خود دولت عراق هم یک منطقه تقریباً غیرقابل کنترل بود و اکثراً فراری های ارتش عراق داخل این هور بودند و ماهیگیری می کردند. از نظر تردد هم این مطقه قابل نفوذ بود. آن طرفش هم؛ یعنی غرب

کمک می کرد. به عنوان مثال، در فتح المبین ما از آن جناح کوه های ممله یا از این جناح، دوزدن میشداغ از رمل ها یا در بیت المقدس عبور از کارون و استفاده کردن جناح خالی دشمن یا در طریق القدس وارد شدن از رمل ها، جاده کشی داخل رمل یا کارهای غیرعادی که دشمن انتظارش را نمی داد را ما انجام می دادیم. اینها ما را به پیروزی می رساند و در آن عملیات ها هر جایی که تکمان، هر قسمتی از همان عملیات که تکش جبهه ای بود عملیاتمان با ناکامی روبه رو می شد. ما می دانستیم وقتی بخواهیم بصره را بگیریم از روبه رو این کار نمی شود؛ یعنی با این همه موانعی که دشمن ایجاد کرده اگر ما تک جبهه ای بکنیم از روبه رو به جایی نمی رسیم. اجباراً این منطقه هور که یک جناح در واقع بود، برای این هدف بصره و یک جناح عملیات محسوب می شد، جناح خوبی هم بود که ما می توانستیم از آن استفاده بکنیم و دشمن غافل بود از این جناح و این جناح خوبی بود، چون اصلاً فکرش را نمی کرد یک زمانی بخواهیم این طور با قیق و تشکیلات از این هور عبور بکنیم و بیاییم مثلاً برویم کنار دجله و بعد هم جاده بصره - عماره را ببندیم یا جزایرش را بگیریم. این پیش بینی را نمی کرد و منطقه یک منطقه مرده و ضعیفی بود. این استفاده از هور بعد از والفجر مقدماتی به ذهن برادر محسن رسید و از همان موقع شروع کرد به کار کردن روی این منطقه. آن زمان هم که صحبت می شد بعضی ها قبول داشتند و بعضی ها نداشتند، بعضی ها می گفتند این طوری نمی شود، ما عقبه نداریم و در آب نمی توانیم برویم، ولی خود برادر محسن از همان یک سال قبل این موضوع در ذهنش بود و از همان زمان بعد از والفجر مقدماتی و والفجر ۱ شروع کرد به کار روی این منطقه هور و به آن اهمیت داد. خودش هر ۱۵ روز یک بار به طور مخفی می آمد سر می زد، داخل هور می رفت شناسایی و یک سری نیرو هم قرارگاه نصرت را تشکیل داد و این نیرو

طبق طرح مانور جزء به جزء
قرارگاه حنین قرار بود کل
جزیره شمالی را به اضافه نیمه
شرقی جزیره جنوبی را در
مرحله اول اشغال کنیم و بعد
از جزایر خارج بشویم، گردش
به چپ کنیم، به سمت پل
طلاییه و جاده آسفالت محور
طلاییه - نشوه برویم.

است. از نظر سیاسی هم باید گفت که با شروع عملیات این جزایر اهمیت سیاسی خاصی پیدا کرد، چون ما در جاهای دیگر موفق نشدیم و بچه‌ها آمدند عقب و عملیات گره خورد یا نتوانستیم ادامه دهیم این جزایر سمبل مقاومت، توانایی و قدرت‌نمایی و به اصطلاح زورآزمایی بین ما و عراق شد. ما اعلام کردیم که در این جزایر هستیم و می‌توانیم حفظش بکنیم و عراق هم می‌گفت ما این را از شما می‌گیریم، می‌توانیم از شما بگیریم و این موضوع در دنیا مطرح شده و همه منتظر بودند ببینند که عراق آنها را پس می‌گیرد یا نمی‌گیرد. موضوع دیگر این بود که در جزیره ما عقبه نداشتیم و بدون عقبه بچه‌هایمان در جزیره می‌جنگیدند. و در واقع مقاومت ایران و همین تثبیت جزیره و ماندن ما در جزیره توده‌نی بزرگی به صدام بود که ما این پیروزی را به دست آوردیم و این از نظر سیاسی قضیه بود.

آثار مثبت انتخاب منطقه عملیاتی

راوی: یک سؤالی که بخشی از آن را در سؤال‌های قبل پاسخ دادید این است که چرا این منطقه را برای عملیات انتخاب کردید؟ این نقاط مثبتی که این منطقه عملیاتی داشت چه بود؟
برادر عزیز جعفری: این سؤال را که پاسخ دادیم. البته این منطقه‌ای که شما می‌گویید شاید منظورتان منطقه هور باشد، ولی کلاً اگر منطقه بصره باشد منطقه بصره را به دلیل اهمیت خاص اقتصادی‌ای که دارد و دشمن را هم می‌بینیم انتخاب کردیم. عراق بعد از عملیات رمضان کل نیروهای سازمانی‌اش را در بصره نگاه داشته است و می‌داند که ما از جای دیگر نمی‌توانیم به آن ضربه بزنیم، چون جای دیگر ارزشی برای ما ندارد. ما به غیر از مقابل بغداد هر چه پیش برویم در هر جای عراق، هیچ [کدام] ارزشی که بصره دارد، ندارند و بصره را ما اگر با این هدفمان می‌توانستیم به یک جایی برسانیم یا

دجله در ادامه‌اش داخل خاک عراق باز هم منطقه هور است. از نظر نظامی اهمیتی که هورالعظیم دارد موضوع جاده بصره - عماره است. در آن طرف هور، بین دو هوری که در دو طرف دجله عبور می‌کند این می‌توانست تهدید بسیار خوبی باشد که ما از این استفاده کردیم و از همین هور رسیدیم به آن جاده، مسئله جزایر هست که اگر بنخواهیم به خود جزایر بپردازیم از لحاظ نظامی یک جناح خیلی خوبی بود که ما از این جناح استفاده کردیم و این دو جزیره همچون شمالی و جنوبی جاپای بسیار خوبی است که اکنون در دست ماست و به عنوان دو جاپا برای ادامه عملیات در آن طرح اولیه در نظر گرفته شده بود که ما در همین جاپا ماندیم و نتوانستیم خارج بشویم و ادامه بدهیم. از نظر نظامی این جزایر اهمیت بسیاری دارد به دلیل همین درجناح بودن دشمن به عنوان یک جاپایی برای ادامه تک است، ولی به دلیل اینکه دو پل در انتهایش است و دشمن یک کانال در جنوبش کنده، آن اوایل و همان هفته اول ما خوب می‌توانستیم از جزیره خارج شویم و چندین بار هم رفتیم، ولی چون مشکل ترابری عمده داشتیم نتوانستیم نیرو را آماده کنیم و عقبه‌مان وصل نشد و در نتیجه برای ادامه تک همان‌جا ماندیم. الان دشمن راه ما را مسدود کرده و شاید از این لحاظ ارزش نظامی‌اش را از دست داده باشد، با وجود این، وقتی که ما توپ ۱۳۰ یا کاتیوشا را داخل جزیره بیاوریم باتوجه به برد توپخانه می‌توانیم جاده بصره - عماره را زیرآتش بگیریم، شهر القرنه را بزنیم یا حتی شهر نشوه را که عقبه اصلی دشمن است زیرآتش داشته بگیریم. این طوری که آقایان دست‌اندرکار می‌گویند حدود سه و نیم میلیارد بشکه نفت داخل این جزایر است که اگر آنها را استخراج کنیم خسارت جنگ جبران می‌شود. از نظر اقتصادی، جزایر اهمیت زیادی دارند البته چاه‌هایش اکثراً حفاری نشده، ولی آماده حفاری می‌باشد، تعدادی از چاه‌ها هم حفاری شده



از راست: برادران مهدی زین‌الدین فرمانده لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابی‌طالب (ع) و عزیز جعفری فرمانده قرارگاه حنین در منطقه هورالهبوزه، ۱۳۶۲/۱۲/۰۳.

درگیری با دشمن نداشتیم خیلی درگیری سبکی با نیروهای دشمن داشتیم و از روبه‌رو در نقاطی که ما می‌خواستیم نفوذ کنیم و داخل برویم با دشمن درگیر نمی‌شدیم. فاصله سنگرهای دشمن و مواضع دشمن ۵۰۰ متر، ۸۰۰ متر، یک کیلومتر بود و بچه‌های ما به راحتی می‌رفتند داخلشان و پاک‌سازی می‌کردند و دیگر آن تلفاتی که از مقابل و زیر آتش توپخانه یا عبور از موانع می‌دادیم در اینجا نداشتیم.

چگونگی شناسایی‌های صورت گرفته و اطلاعات کسب شده از دشمن

راوی: درباره میزان شناسایی‌های انجام‌شده در منطقه، چگونگی انجام‌دادن شناسایی‌ها و اطلاعات به‌دست‌آمده از دشمن توضیح بفرمایید.

برادر عزیز جعفری: اینجا از یک سال پیش، یعنی بعد از والفجر مقدماتی، قرارگاه نصرت مخصوص این کار تشکیل شد و بچه‌ها بعد از عملیات والفجر مقدماتی کار شناسایی و گویاکردن منطقه را شروع کردند شناسایی‌ها در قالب ماهیگیری و با لباس عربی به شکل خود ماهیگیرها داخل هور انجام

جاده را می‌بستیم یا ان‌شاءالله به آن خواهیم رسید، از نظر اقتصادی عراق ضربه بزرگی می‌خورد و یکی از عوامل مهمی که او راسرپانگه داشته اقتصادش است که اگر این ضربه بخورد یا فلج بشود امکان سقوط خود صدام زیاد می‌شود. این دلیل انتخاب خود بصره و اما چرا منطقه هور را ما انتخاب کردیم یا سپاه این منطقه هور را انتخاب کرد؟ گفتم به دلیل جناح‌بودنش که ما در هر عملیاتی از تک جبهه‌ای پرهیز می‌کردیم و به‌عنوان نقطه‌ضعف یک جایی را انتخاب می‌کردیم و به دشمن می‌زدیم که در این عملیات هم این موضوع وجود داشت. اینجا هم هور، جناح بود، نقطه‌ضعفی بود از دشمن که ما این را انتخاب کردیم تا آن را بگیریم و از این نقطه به عقبه دشمن برسیم و دورش بزنیم. منتها اشکالاتی که داشت، زیرا استفاده‌کردن از این جناح مشکلات زیادی برای خودمان داشت که این مشکلات حل نشد و مسئله عملیات را به‌شکل کاملی درنیاورد. یعنی همین مسئله نقطه‌ضعف و استفاده از جناح بود در واقع ما در این عملیات ترابریمان مشکل بود، حرکتان و رفتنمان مشکل بود، ولی هیچ‌گونه

می‌آوردند. وقتی که روی این سدهایی که دشمن سنگر داشت می‌رسیدند، از پشت‌سر داخل آنها نفوذ می‌کردند و از جاده‌ها و پل‌هایی که سر راه بود، جاده‌ها و پل‌های اصلی عماره - بصره را شناسایی می‌کردند، عکس می‌گرفتند، فیلم می‌گرفتند از آبراه‌ها و مواضع دشمن. شناسایی‌های کامل و بسیار خوبی در طول یک سال به دست آمده بود.

راوی: قرارگاه نصرت از یک سال پیش شروع به شناسایی کرده بود. زمان عملیات لشکریایی که می‌خواستند عملیات کنند چه‌طور از این شناسایی‌ها استفاده می‌کردند؟

برادر عزیز جعفری: نیروهایی که در یک سال شناسایی کردند بین لشکرها تقسیم شدند و در اختیار لشکرها قرار گرفتند، ولی در هفت هشت ده روز آخر همین شناسایی‌ها، بچه‌ها برای یک بار یا دو بار نیروهای شناسایی لشکرها را با فرماندهان گردان‌ها و حتی خود فرماندهان لشکرها را برای شناسایی در عمق بردند. برای یک بار یا دو بار که فرمانده گردان یا فرمانده لشکر یا تیپ را با مسئول اطلاعاتشان برای شناسایی بردند، حتی خود آن بچه‌هایی که شناسایی می‌کردند در اختیار لشکرها قرار گرفتند.

آخرین وضعیت دشمن قبل از آغاز عملیات

راوی: وضعیت دشمن قبل از این عملیات در این منطقه به چه صورت بود؟

برادر عزیز جعفری: در این منطقه و همین جناح در منطقه هور دشمن از همان یک سال پیش - چون منطقه لو نرفته بود - روی ضلع‌ها و روی سدهای جزایر در هر ۸۰۰ متر الی یک کیلومتر یک سنگر جمعی بدون موانع داشت که آنها را برای حفاظت از هور گذاشته بود تا ماهیگیرها یا دیگران به هر شکلی رفت‌وآمد نکنند و هیچ‌گاه احتمال حمله ما را نمی‌داد، در غیر این صورت، آرایش دیگری به خود می‌گرفت. این وضعیت در جزایر یا روی

می‌شد و بچه‌ها با بلم و پارو و ... مسیرها را از طریق آبراه‌هایی که داخل هور بود شناسایی می‌کردند. شناسایی هم بسیار راحت بود. دیگر همه‌جا و هر جایی که اراده می‌کردند شناسایی انجام می‌شد. بچه‌ها به راحتی به پشت دشمن و داخل خطوطش می‌رفتند، به دجله می‌رسیدند، از دجله عبور می‌کردند، به جاده می‌رسیدند، القرنه، نزدیک‌های بصره و از اینجا به همه‌جا می‌رفتند. حتی از طریق همین هور به کربلا رفتند و به العماره و از همین

آبراه هور هم در عرض یک سال اطلاعات خوبی به دست آورده بودند، شناسایی عملیاتی که باید توسط فرماندهان لشکر یا قرارگاه یا مسئولان اطلاعات عملیات لشکرها انجام می‌شد یا خط عملیاتی که به آنها داده می‌شد، این یک مقداری ضعیف بود که به دلیل رعایت همان موضوع حفاظت - چون دیر آمدند به پای کار - یک درصدی شناسایی برای آنها ضعیف بود که شناسایی مثلاً عملیاتی فقط نبود، ولی عمدتاً اشکال شناسایی نداشتیم،

مشکل اصلی شناسایی نبود و همان شناسایی‌ها کفایت می‌کرد.

راوی: در این شناسایی‌هایی که از یک سال پیش شروع شده بود اطلاعات به دست آمده از دشمن فقط همین تعیین آبراه‌ها بوده است؟

برادر عزیز جعفری: نه. بچه‌ها دقیقاً سنگرهای دشمن را شناسایی می‌کردند و فاصله سنگرهایش، مواضعش - موانع که نداشت - عقبه‌هایش و محل اتصال آنها را به دست می‌آوردند؟ از خود دشمن هم بچه‌ها در این شناسایی‌ها اطلاعاتی به دست

یکی از مشکلات موضوع انتقال نیروها به جزیره بود که با قایق و هلی‌کوپتر باید انجام می‌شد. ما فقط مشکل ترابری نیروها را داشتیم.

منطقه یک منطقه نفتی بود، نفت خیز بود و منطقه نفوذ و هیچ‌گاه گمان نمی‌کرد که ما آنجا برویم و ۷۰۰، ۸۰۰ قایق بیاوریم و یک تعداد هلیکوپتر بسیج کنیم و بخواهیم از این طریق هلی‌برن انجام دهیم و با قایق به آنها حمله کنیم و جزایرش را بگیریم یا جاده بصره - عماره را تصرف کنیم. به همین دلیل، حساسیت زیادی نشان نمی‌داد و به همان شکلی که منطقه را کنترل می‌کرد با آن شیخ‌نشین‌های ساحلش، شیخ‌های دهات اطرافش، به همان شکل آن کار را انجام می‌داد تا همین نزدیک عملیات که شک کرده برده بود و تردید داشت که واقعاً اینجا ما می‌خواهیم عملیات انجام بدهیم؟ یا چطور می‌خواهیم این کار را انجام دهیم؟

بررسی طرح مانور اولیه

راوی: طرح مانور اولیه‌ای که برای منطقه در نظر گرفته بودید در ابتدا چگونه بود؟
برادر عزیز جعفری: طرح مانور اولیه با طرح‌های بعدی تفاوت چندانی نداشت و طرحی که تقریباً اجرا شد به

این شکل بود که با چهار قرارگاه وارد عمل شدیم. البته، تعداد قرارگاه‌هایش مقداری تغییر کرد. اول قرار بود که با سه قرارگاه؛ قرارگاه بدر و حُنین و قرارگاه لشکر نصر طرح مانور انجام بشود که مأموریت عبور از دجله و رسیدن به جاده عماره - بصره قرار بود به‌عهد قرارگاه لشکر نصر باشد تا القرنه با تیپ ۱۵ امام حسن(ع) و امام رضا(ع)، قرارگاه کربلای سابق؛ یعنی بدر مأموریت القرنه به جنوب و به‌سمت نشوه از دو طرف رودخانه دجله را به‌عهد بگیرد و قرارگاه حُنین از محور جزایر و محور طلائیه بیاید و پل را

سدهای روطه و البیضه - که به دجله ختم می‌شد - هم همین طور بود که هر یک کیلومتر، هفتصد متری، باز سنگر جمعی به‌صورت پایگاهی داشت که وسط آن باز بود. این، شکل آرایش دشمن بود. البته، از چپ هم - که به طلائیه ختم می‌شد - دشمن نیروی خطی داشت که لشکر ۱۹ در خط بود و این جزایر را هم به یک تیپش که زیر امر لشکر ۱۹ بود داده و به این شکل آرایش گرفته بود. قبل از عملیات، وضعیت دشمن به این شکل بود که گفتم. از همان تاریخ بیست‌وهشتم به بعد که دیگر دشمن تقریباً متوجه عملیات شد نیروی زیادی را داخل جزیره آورد و شروع کرد به تقویت این نیروها که تازه رسیده بودند؛ مثلاً این نیروها دو سه روز بود رسیده بودند داخل جزیره و شروع کرده بودند به احداث سنگرهای پراکنده. اینها، هم زمانی که بچه‌ها به آنها حمله کردند مشخص بود و هم از اسیرهایی که از آنها گرفتیم و هم نیروهایی که در آنجا بودند. مشخص بود نیروی جدیدی اضافه شده بود که موثر نبود و آنها هم نتوانستند کاری انجام دهند.

میزان حساسیت دشمن نسبت به منطقه

راوی: حساسیت این منطقه برای دشمن و ما به چه اندازه‌ای بود و چرا؟
برادر عزیز جعفری: برای ما قبلاً هم گفتیم که حساسیت و دلیل و اهمیتش این بود که به نقطه‌ضعف دشمن حمله بکنیم و از این جناح و از این نقطه‌ضعف استفاده بکنیم. حساسیتش خیلی برای ما بسیار زیاد بود. ما کلاً روی این جناح برای رسیدن به هدف حساب می‌کردیم که اگر این جناح را نداشتیم شاید به آن محکمی مثلاً به‌سمت بصره نمی‌رفتیم و همه‌اش هم به‌دلیل همین نقطه‌ضعف و همین جناح بود و استفاده از این جناح بود که امید داشتیم به بصره برسیم. این حساسیتش بود که برایمان بسیار اهمیت داشت، ولی برای دشمن این

به‌دلیل سیل‌بندهایی که آن طرف کانال مشروح (که یک متر بلندتر از این سیل‌بند بود) وجود داشت و آرایش دشمن هم آرایش هشتی بود و امکان پاک‌سازی کردن آنجا نبود



از راست: برادران حسین کلاه‌کج، امین شریعتی، حسین اردستانی، عزیز جعفری در قرارگاه نجف، ۱۳۶۲.

باز بکند و جاده آسفالت را ادامه بدهد که دو سه روز قبل از عملیات، تغییراتی ایجاد شد و قرارگاه نصر مأموریتش آمد تا القرنه؛ یعنی مأموریت قرارگاه نصر تا روطه تعیین شد و دیگر به القرنه نمی‌رسید و مأموریتش کم شد. یک قرارگاهی اضافه شد به نام قرارگاه حدید که برادر شریعتی مسئولش بودند که مأموریت روطه تا القرنه را به عهده گرفت و بستن سهراهی و علمدینه و رسیدن به آنجا. قرارگاه بدر کاملاً داخل جزیره آمد و قرار شد که مأموریت غرب اروند از عهده‌اش برداشته شود. همچنین مقرر شد که نیروهای قرارگاه بدر کاملاً در شرق اروند و از جزیره به سمت نشوه بروند. قرارگاه حُنین هم به علت این که دو تا محور بودیم و نمی‌توانستیم هم از راه خشکی طلاییه و هم در جزیره کار بکنیم ما نظر داشتیم کاملاً از جزیره کار بکنیم و یک قرارگاه دیگری درست بکنیم به نام قرارگاه فتح که از محور طلاییه از مقابل برادرمان حاج‌همت بود که کار بکند و بیاید با همدیگر الحاق بکنیم، ولی باز ۲۴ ساعت قبل از عملیات چون این را نشدنی دیدند، اینها قرارگاه فتح و حُنین را یکی کردند و قرارگاه فتح را زیر نظر قرارگاه حُنین که

این خلاف نظر ما بود که گفتیم نمی‌شود این‌جوری و در عمل هم نشد در عمل هم مجبور شدیم که باز در خود عمل قرارگاه فتح مستقیم تماس داشته باشد و این ناهماهنگی‌ها هم به وجود آمد، این طرح مانور بود که ابتدا قرار بود در یک مرحله، باز آن اول صحبت‌هایی که می‌شد این بود که یک خیز به نشوه برسیم و معطل نشویم. یعنی ایستادن در جزیره را صلاح نمی‌دانستیم که معطل بشویم، چون متوقف می‌شدیم دشمن می‌آمد جلویمان قرار بود که به همین شکل انجام بشود ولی این اواخر دیگر حسابی که کرده بودیم روی حمل و هلی‌کوپتر و اینها و توانایی‌ها را ندیدیم که ما برسیم به نشوه و این که ابتدا باید توان بگذاریم پل را و محور طلاییه را باز بکنیم و از محور جاده برویم به سمت نشوه. که با این همه باز ترابری که بود اجازه این را نداد و نیروها کامل به جزیره منتقل نشدند و آن حرکت و به علت یک ناهماهنگی که ایجاد شده بود در محور طلاییه و نیروها بیرون آمدند و محور قرارگاه فتح انجام نشد. این حرکت به علت مشکلات ترابری یعنی عدم کشتش ترابری برای انتقال نیروها متوقف شد.

نظریات مختلف در طرح کلی مانور و بررسی مشکلات

راوی: درباره طرح مانور کلی چه بحث‌های دیگری انجام شد و نظریات مختلفی که در این زمینه وجود داشت چه بود؟

برادر عزیز جعفری: در بحث مانور همه می‌دانستیم که داریم از یک جناح ضعیف دشمن استفاده می‌کنیم و این یک حرکت فوق‌العاده‌ای بود منتها می‌دانستیم که این حرکت بدون عقبه است؛ یعنی جاده نداریم و احتمالاً تا جاده و پل هم وصل نشود ما مشکلات اساسی داریم، ولی روی قایق‌ها و روی هلی‌کوپترها بسیار بیشتر از این حساب می‌کردیم که در عمل، این امر تحقق نیافت و عملیات به‌طور کامل و صددرصد نشد. بحث مانوری که داشتیم همین بود و بحث دیگری نداشتیم، بحث‌های دیگری در رده قرارگاه خاتم با ارتش بود که من زیاد در جریانش نیستم و بیشتر آنها هم همین بدون عقبه‌بودن و وصل‌نبودن جاده و ... بود، ولی بحث زیادی بین خودمان روی طرح مانور انجام نمی‌شد و اغلب صحبت‌هایی که می‌شد همه‌اش حل کردن مشکل ترابری و هماهنگی و طرح زمانبندی و ... بود.

راوی: طرح مانور جزء به‌جزء قرارگاه حنین به چه صورت بود؟

برادر عزیز جعفری: طبق طرح‌مانور جزء به‌جزء قرارگاه حنین قرار بود کل جزیره شمالی را به‌اضافه نیمه شرقی جزیره جنوبی را در مرحله اول اشغال کنیم و بعد از جزایر خارج بشویم، گردش به چپ کنیم، به سمت پل طلائی و جاده آسفالت محور طلائی - نشوه برویم و سپس لشکر رسول‌الله(ص) از مقابل محور طلائی جاده را باز کند و با همدیگر الحاق بکنیم لشکر علی بن ابی طالب(ع) را گذاشته بودیم برای پاک‌سازی جزیره شمالی و جزیره جنوبی که این کار را انجام داد. البته ۲۴ ساعت طول کشید تا پاک‌سازی‌اش کامل شود و تیپ سیدالشهدا را گذاشته بودیم که ادامه بدهد

حرکت را بیاید از جزیره بیرون و گردش به چپ بکند بیاید تا به پل برسد. بعد لشکر رسول‌الله هم که از مقابل می‌آمد لشکر ثارالله هم احتیاط بود.

راوی: در این طرح چه مسائل و مشکلاتی را پیش‌بینی کرده بودید و برای حل آن مشکلات چه اقداماتی انجام دادید؟

برادر عزیز جعفری: یکی از مشکلات موضوع انتقال نیروها به جزیره بود که با قایق و هلی‌کوپتر باید انجام می‌شد بود. ما فقط مشکل ترابری نیروها را داشتیم مشکل دیگری نبود که پیش‌بینی کنیم.

راوی: چرا در طرح مانور کلی، جزیره را به دو قسمت کرده بودند، یک قسمت را دادند به قرارگاه بدر و قسمت دیگر را به حنین؟

برادر عزیز جعفری: برای اینکه این جزیره یک جابایی بود برای ادامه حرکت قرارگاه بدر و حنین و برای اینکه هر قرارگاه جابای خودش را بگیرد و کارش را انجام بدهد و بتواند از این جابا استفاده بکند و برای ادامه تک خارج بشود. به‌همین دلیل جزیره را نصف کردیم که نصفش برای حنین باشد و نصفش برای بدر. اول قرار بود بدر برود به سمت روطه و القرنه و آن جاها ولی چون آنجا حذف شد، مجبور بودیم هم‌زمان با هم عمل کنیم و یک جابایی در جزیره داشته باشیم و به همین دلیل جزیره نصف شد.

اقدامات پیش از عملیات

راوی: کل اقدامات و کارهایی که پیش از اجرای عملیات باید انجام می‌شد چه کارهایی بود؟

برادر عزیز جعفری: قبل از عملیات، به‌دلیل رعایت موضوع حفاظت، کارها بسیار مخفیانه انجام می‌شد و همه آنها تحت پوشش بود و سعی می‌شد که اقدامات غیرضروری و کارهایی که می‌شد از آنها گذشت انجام نشود، برای مثال، برپایی قرارگاه، دست زدن به زمین مثلاً جاده‌سازی و این قبیل کارها فقط درحد ضرورت انجام می‌شد. یعنی

پیش‌بینی این موضوع از یکی دو ماه قبل از عملیات شده بود، البته طرح‌های زیادی درباره پل داده شده بود که حدود یک ماه، یک ماه و نیم قبل از عملیات نتیجه نهایی حاصل و کار احداث پل آغاز شد، ولی انتقال تجهیزات به منطقه از چند روز قبل از عملیات و نصب پل هم بعد از شروع عملیات انجام شد، ولی ساخت آن از قبل طرح‌های بسیار داده شده و روی آنها کار شده بود که در نهایت یکی از آنها تصویب شد و یک نوع پل دیگر پل یونولیت پل نقررو بود که آن را هم یکی دو ماه قبل از عملیات آزمایش شده و تولید آن شروع شده بود. بچه‌های مهندسی قرارگاه نصرت هم کار زیادی انجام می‌دادند مثلاً روی قایق‌ها، ماشین‌ها و بسیاری موضوعات این‌چنینی کار می‌کردند که همه آنها به کار گرفته شد.

چگونگی و شرح عملیات

راوی: شرح عملیات را هم بفرمایید. از ابتدای حرکت نیروها برایمان توضیح دهید و موضوعاتی که که در طول عملیات تا آخر عملیات رخ داد.

برادر عزیز جعفری: در مرحله ابتدایی عملیات از قرارگاه حُنین فقط لشکر علی بن ابی طالب (ع) و از محور طلائی هم لشکر رسول‌الله (ص) بود به اضافه تیپ الغدیر که آن را زیر امر خودش گرفته بود. در محور هور، نیز لشکر علی بن ابی طالب (ع) از صبح روزی که قرار بود شبس عملیات بشود، به پای کار رفتند. چیزی درحد سه گردان. البته قرار بود که پنج گردان را ما ترابری کنیم؛ یعنی یک گردان از سیدالشهدا (ع) و یک گردان از [لشکر] رسول‌الله (ص) از طریق هور با قایق بروند، اما در محور طلائی (پشت دشمن) ولی به‌علت کمبود قایق این گردان‌ها نتوانستند حرکت کنند و فقط همان سه گردان لشکر علی بن ابی طالب (ع) از صبح آن روز سوار قایق شدند و به سمت جزایر حرکت کردند. خوشبختانه آن روز هوا آفتابی نبود و حالت نیمه‌ابری

حداقل جاده‌سازی انجام می‌شد و اقدامات دیگر مثل سوله‌سازی و تدارکات فقط سه چهار روز قبل از عملیات چند پایگاه اورژانس زده شد و بیمارستان هم که از قبل ساخته شده بود.

راوی: این بیمارستان از قبل بود؟

برادر عزیز جعفری: کار ساخت بیمارستان از دو سه ماه قبلش شروع شده بود و اینها اقدامات پیش از عملیات بود که بیشتر جاده‌سازی بود که گفتم در حد بسیار محدود انجام شد، ولی روی هور کار بیشتری انجام شد؛ خاکریز زدن، کنترل آب و کندن کانال اقدامات قبل از عملیات بود و هم‌چنین موضوع شناسایی که قبلاً توضیح دادم بود. حفاظت حداقل کارها را انجام دادیم. انتقال لشکرها و استقرارشان هم طبق طرح زمانبندی شده پنج شش روز، یک هفته قبل از عملیات تقریباً شروع شد. البته تدارکات و بنه‌شان از دو روز، سه روز قبل از عملیات وارد منطقه شدند. اقدامات دیگر هم انجام نشده بود؛ اقداماتی از قبیل سایت و..، سایت را ارتش قبلاً هماهنگ کرده بود و نزدیک جفیر زده بود آن را نزدیک نیاوردیم. قرارگاه نجف و ... هم که قبلاً ساخته شده بودند و قرارگاه‌های دیگر مثل قرارگاه بدر هم در پاسگاه مستقر شدند و دو سه روز قبل از عملیات سوله زده شد.

دشمن بیشتر با آتش پشتیبانی عمل می‌کرد و نیرویش را کم وارد می‌کرد درواقع فقط با آتش توپخانه شدید بچه‌ها را خسته می‌کرد و تحت فشار می‌گذاشت که مقاومت بچه‌ها را بشکند.

پیش‌بینی‌های احداث پل - انتقال نیروها به وسیله قایق و هلی کوپتر

راوی: درباره احداث پل هم توضیح بفرمایید.

برادر عزیز جعفری: درخصوص احداث پل هم

داشت و هلی کوپترهای دشمن هم زیاد نیامده بودند. به‌هرحال با مشکلاتی که در اسکله داشتیم و نیروها حرکت کردند. قرار بود ابتدا در هر محوری که بچه‌ها حمله می‌کنند، در چهار پنج محوری که حمله می‌کنند یک تعداد نیروی دسته‌های پیشروی باشند که اینها با قایق‌های مخصوص چوبی که باریک بود از لای نی‌ها با موتورهای خاموش بروند داخل جزیره و سنگ‌هایی را که بر سر آبراه‌ها بود منهدم بکنند و بعد بقیه نیروها با قایق‌های با موتور روشن بروند روی آن سدها پیاده بشوند و به پاک‌سازی ادامه بدهند. طبق زمان‌بندی انجام‌شده نیروها حرکت کردند، ولی یک مشکل عمده‌ای که داشتیم این بود که می‌دانستیم این قایق‌های موتور روشن نمی‌توانند نزدیک دشمن بشوند و مجبورند آن نزدیکی‌ها موتورشان را خاموش بکنند و با پارو و وردی بروند و می‌دانستیم که این قایق‌های بزرگ هم داخل نی‌ها و آبراه‌های باریک گیر می‌کنند و با مشکل مواجه می‌شوند، اما به‌هرصورت گفتیم که این کارها را انجام دهند و بعد موتور را روشن بکنند و بروند. در محور جزیره شمالی لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) وارد عمل می‌شد حدود ساعت ۱۲ دسته پیشرو محور شمالی که از وسط وارد می‌شد، آن رفته بود بالا و تا آمده بود نیروهایش را پیدا کند البته قرار بود ساعت ۶ درگیر بشوند همه که چهار پنج ساعت طول کشید به دلیل همان کشاندن نیروها و مشکلات گیر کردن قایق‌ها و حدود ساعت ۱۱ - ۱۲ اینها رسیدند روی دژ که این دو گروهان وارد شدند و شروع کردند به پاک‌سازی، یک گردان دیگر از این لشکر را ما از اسکله شهید بقایی، چون قایق‌هایمان یک تعدادی آنجا مانده بود رفتند بعد از ظهرش از آنجا حرکت دادیم و پشتیبان این نیروها به عنوان نیروی احتیاطشان از محور زبره و محور شمال، قرارگاه بدر از آنجا وارد کردیم که بیاید پشتیبان اینها بعد از اینکه این دیر می‌کند این دو تا گروهانی که از آبراه

«نیر» می‌آمدند آن نیرو آمد کمکشان و شروع کردند به پاک‌سازی جزیره شمالی و در محور جزیره جنوبی که چیزی در حد یک گردان تقویت شده بود اینها به دلیل مشکل بودن مسیر آبراهشان و نیاز بودن آنجا و تنگ بودن مسیر قایق‌ها گیر کردند تا ساعت دو، سه شب اینها گیر کردند و مسیر اصلی که قرار بود بروند جزیره جنوبی، دسته‌های پیش رو همه رفته بودند ولی نتوانسته بودند برگردند و بقیه نیرویشان را پیدا بکنند. اینها گم کردند راه را و نرسیدند به جزیره جنوبی تا نزدیکی‌های صبح با کلت منور آمدند راهنمایی‌شان کردند بچه‌ها را به جزیره شمالی در جزیره شمالی پیاده شدند و فردای عملیات پاک‌سازی را ادامه دادند و به سمت جزیره جنوبی رفتند و در روز پاک‌سازی ادامه پیدا کرد تا فردا شبش که رسید، لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) کاملاً نیمه شرقی جزیره جنوبی را پاک‌سازی کرد و بعد برای انتقال که قرار بود شب اول با هلی‌کوپتر بقیه نیروها از سیدالشهدا(ع) منتقل بشوند در جزیره با دو گردان از لشکر رسول‌الله(ص) که خب می‌دانید که پاک‌سازی شدن جزیره و آن حجم پروازی که قرار بود هلی‌کوپترها انجام بدهند و ندادند نیروها منتقل به منطقه عملیات نشدند و در شب بعد نتوانست عملیات ادامه پیدا کند و نیروی سیدالشهدا(ع) بعداً منتقل شد داخل جزیره ولی جنگش در همان محور جزیره بود که کمک لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) می‌کرد. از محور طلایه هم یک خاکریزی قرار بود بچه‌ها بزنند یک کیلومتر جنوب جاده آسفالت که با کمک لشکر رسول‌الله(ص) و

مقاومتی که در جزیره شد بی‌نظیر بود، می‌توانم بگویم در پاتک هیچ‌جا این جور فشاری که روی بچه‌ها آمد اصلاً بی‌سابقه بود، ما هیچ‌جا چنین چیزی نداشتیم.

برادر عزیز جعفری: بله، با این دو سه حرکتی که بچه‌ها در جنوب جزیره انجام دادند دشمن حساس شد و سریع آمد روی سرپل‌ها و سرپل‌ها را محکم گرفت و بست. دائماً منتظر نیرو بودیم، هر چه گذشت دشمن نیروی زیادتری می‌آورد. ما هم منتظر نیروی زیادتری بودیم که از جزیره خارج بشویم ولی به دلیل نداشتن عقبه و پل امکان انتقال نیرو به جزیره را نداشتیم؛ یعنی نیرو به عملیات نمی‌رسید و دشمن بعد از گذشت چند روز که به قرارگاه نصر و حدید فشار آورد و این نیروها را اول زد، در جزیره و از داخل جزیره هم پاتک‌ها را شروع کرد. در برابر انبوه آتش و فشار دشمن، نیروهای ما بدون هیچ عقبه‌ای، بدون پشتیبانی سلاح سنگین فقط با کلاش و آر.پی.جی و محدود ادوات و درحالی‌که به دلیل کمبود دستگاه برای زدن خاکریز، مواضع پدافندی مناسب هم نداشتند می‌ایستادند و با دشت خالی جلوی دشمن با آن همه فشار و آتش مقاومت می‌کردند طوری که دشمن سه شب و سه روز مداوم پاتک کرد.

راوی: پاتک‌ها از کی شروع شد؟

برادر عزیز جعفری: از شانزدهم [اسفند] بود.

راوی: یعنی شب سوم، شب اول که عملیات شد، شب دوم تکمیلی بود و تا جنوب جزیره آمدند. **برادر عزیز جعفری:** چند روز بعد از عملیات بود یعنی هفت هشت، ده روز بعد از شروع عملیات دشمن فشارش را شروع کرد.

راوی: در طول این مدت دیگر چه اقدامی کرد؟

برادر عزیز جعفری: در این مدت هیچی. همین وضعیت بود؛ حمله‌های شبانه، خارج شدن از پل، می‌رفتیم و ضربه می‌زدیم برمی‌گشتیم. تصمیم نداشتیم یعنی جزء برنامه نبود که ما جزیره را تا جلوی تثبیت بکنیم. دائم امید داشتیم که نیرو می‌آید ما از جزیره خارج می‌شویم. این طوری بود که ماندیم همان‌جا و بعد دشمن دو سه روز بعد از

تیپ الغدیر که این زده شد شب اول و حتی محور طلاییه، کمین اولش را از محور آسفالت بچه‌ها شکستند و داخل شدند ولی به دلیل دیر رسیدن نیرو و وصل نشدن پل آن جاده ارتباطی و فشاری که ظهرش آورد، نیروهای لشکر رسول‌الله(ص) برگشتند و فقط همان خاکریزی که در محوطه آزاد زده شده بود پشت آن خاکریز ایستادند. فردا شب عملیات یعنی شب دوم که چهار گردان از نیروهای قرارگاه بدر یعنی لشکر نجف و عاشورا در جزیره منتقل شده بودند، اینها به دلیل یک اشتباه که قرار بود این چهار گردان ظاهراً دستور می‌رسد به آن بچه‌هایی که در جزیره هستند که یک شب بعد انجام عملیات بدهند اینها اشتباه می‌کنند و همان شب آن چهار گردان را از جزیره خارج می‌کنند و برای پاک‌سازی و رسیدن به پل طلاییه می‌روند. چون این اشتباه صورت گرفته بود از این طرف از محور طلاییه حرکتی صورت نگرفت آن شب و آن چهار گردان رفت داخل و جنگید و تا لب پل هم آمد و تمامی چهار گردان اسیر و شهید شدند. دوباره شب بعد یعنی فردای روزش که نیروها آمدند پای پل، [لشکر] رسول‌الله(ص) از محور طلاییه قرارگاه فتح فشارش را شروع کرد و در روز ادامه تک داد برای الحاق با نیروها که موفق نشد و دو الی سه شب بعدش طول کشید به همین شکل تا اینکه یک بار دو بار دیگر باز بچه‌ها آمدند و محور طلاییه را شکستند و دشمن مجدداً از آنها پس گرفت و بعد از اینکه دو روز که از جزیره منتظر آمدن نیرو شدیم برای انتقال و بیرون ... دو سه بار بچه‌ها به دو تا پل‌ها حمله کردند و از پل‌ها خارج شدند ولی نیرویی نبود که ادامه پیدا بکند و به هدف‌های اصلی برسد.

حساسیت دشمن و چگونگی پاتک‌های عراقی‌ها در شب سوم
راوی: آن دو تا پل جزیره جنوبی؟



از راست علی فدوی، عزیز جعفری، غلامحسین بشردوست، غلامعلی رشید، رحیم صفوی، ۱۳۶۲.

آمده بود در جزیره و بیشتر می‌خواستیم حالت پدافندی بگیریم. لشکر علی بن ابی طالب (ع) جنگیده بود و جزیره را پاک‌سازی کرده بود و دیگر امکان ادامه تک را نداشت ما در واقع [تیپ] سیدالشهدا را به آنجا منتقل کردیم و آن خط را به او دادیم که تک را به سمت محور طلائی ادامه بدهد و که خودبه‌خود آمد در خط جا افتاد و نیروی زیادی برای ادامه تک آماده نشد.

راوی: نتایج به‌دست‌آمده روز اول عملیات تا کجا بود؟

برادر عزیز جعفری: روز اول عملیات کلاً جزیره گرفته شد و دو تا جزیره گرفته شد و پاک‌سازی شد.

راوی: بعد در این مدت چقدر عملیات‌های تکمیلی انجام دادید و این عملیات‌ها در کدام شب‌ها بود؟

برادر عزیز جعفری: شب‌هایش را دقیق یادم نیست و تکمیلی‌اش همان فردای عملیات انجام شد؛ یعنی فردا شب عملیات، جزیره دیگر پاک‌سازی شده بود و پاک‌سازی جزایر، سه چهار ساعت طول کشید ولی بعد دشمن فشار می‌آورد روی سر پل‌ها و ما هم باید چه کار می‌کردیم؟ می‌زدیم دشمن را اطراف سرپل‌ها منهدم می‌کردیم و دوباره برمی‌گشتیم داخل جزیره.

شروع عملیات، فشار آورد، سه روز مدام پاتک کرد، بعد ۲۴ ساعت فشارش قطع شد و مجدداً فشار را شروع کرد و در این جناح چپ جزیره به دلیل اینکه ما خاکریزی نداشتیم، نرسیدیم خاکریز بزنیم، دشمن میزان رخنه‌اش را زیاد کرد و توسعه داد و آمد تا نیمه‌اش (جزیره جنوبی). در همین حال شب‌ها ما با یک دستگاه خاکریز می‌زدیم و دشمن متوقف می‌شد تا اینکه به وضعیت خط فعلی درآمد.

چگونگی به‌کارگیری تیپ سیدالشهدا (ع) و تصرف جزیره

راوی: از چه زمانی تیپ سیدالشهدا (ع) را به کمک گرفتید؟

برادر عزیز جعفری: ۴۸ ساعت بعد از شروع عملیات.

راوی: علت به‌کارگیری‌اش چه بود؟

برادر عزیز جعفری: کمبود نیرو.

راوی: در صورتی که لشکر علی بن ابی طالب (ع) هنوز نیرو داشت؟

برادر عزیز جعفری: نه، وقتی لشکر علی بن ابی طالب (ع)

چگونگی آرایش دشمن در پاتک‌ها

عقب‌تر و پدافند کردیم و یک فضای باز افتاده بود دست دشمن از پل وارد می‌شد آرایش گرفته و پاتک می‌کرد.

راوی: همان آرایش همیشگی‌اش، اول آتش می‌ریخت؟

برادر عزیز جعفری: بله، دشمن بیشتر با آتش پشتیبانی عمل می‌کرد و نیرویش را کم وارد می‌کرد در واقع فقط با آتش توپخانه شدید بچه‌ها را خسته می‌کرد و تحت فشار می‌گذاشت که مقاومت بچه‌ها را بشکند، البته مقاومتی که در جزیره شد بی‌نظیر بود، می‌توانم بگویم در پاتک هیچ‌جا این جور فشاری که روی بچه‌ها آمد و در این مضیق‌های که بودند اصلاً بی‌سابقه بود، ما هیچ‌جا چنین چیزی نداشتیم.

راوی: حساس‌ترین موقعی که عملیات در جزیره و در پاتک‌ها انجام شد کی بود و چرا؟

برادر عزیز جعفری: همین دو تا پاتک سه‌روزه‌ای که کرد مخصوصاً در پاتک دومی که یک‌سری خاکریزی که در قسمت چپ زده بودیم تکمیل نبود و دشمن آمد این گوشه خاکریز ما را که شب‌ها داشتیم ادامه‌اش می‌دادیم جناحش باز بود، نوک عصایی شده بود آمد نوک عصا را گرفت و دیگر همه آن شب به یک وضعی رسیدیم که می‌گفتیم اگر امشب آن قضیه عصا را حل نکنیم و دشمن را در آنجا منهدم نکنیم فردا صبح دشمن می‌آید و کلیه نیروهای ما را دور می‌زند و محاصره می‌کند که در وضع فشار عجیبی بودیم، نیرو هم برای پاکسازی نداشتیم حتی برای پاکسازی عقبه دشمن. وقتی به دشمن شب‌ها حمله می‌کردند دشمن دیگر کاملاً هوشیار و مواظب بود و با این پاتک‌های شبانه و با این هجوم‌های شبانه ما مقابله می‌کرد و نسبت به شب‌های قبل کمتر موفق بودیم و اثری زیاد نداشت و بیشتر نیروهای خودمان تلفات می‌دادند و ما امیدی به حمله‌های شبانه نداشتیم که یک دفعه که دشمن عصا را گرفت بچه‌ها به او حمله کردند تقریباً روز

راوی: در این محور پاتک‌های دشمن از کدام نقاط بود، در مورد پاتک‌های کمی توضیح بدهید.

برادر عزیز جعفری: شکل این دو تا ضلع جزیره جنوبی به یک وضعیت خاصی است. دشمن از آن طرف فکر کنم به احتمال زیاد آمد و پیش‌بینی این مسئله را کرده بود که به هیچ‌عنوان برای نیرویی که از داخل جزیره می‌خواست پدافند بکند رو به جنوب اصلاً پدافند امکان‌پذیر نیست، به دلیل سیل‌بندهایی که آن طرف کانال مشروح (که

یک متر بلندتر از این سیل‌بند بود) وجود داشت و آرایش دشمن هم آرایش هشتی بود که ما می‌رفتیم در دل دشمن که یک آرایش حالت هفتی داشت و آنها با آتش تقاطع دو طرف خاکریز را می‌زدند و امکان پاک‌سازی کردن آنجا نبود. ما پشت آن خاکریز یک مقداری تلفات دادیم و دستگاه هم نداشتیم که این خاکریز را بزند تا بتوانیم پشتش بایستیم. دشمن هم فشار پاتک‌هایش از محور پل بود یعنی پل شحیطاط و آن سهراهی پلی که از ادامه دژ شرق جزیره جنوبی می‌رود پایین. از دو تا این محور دو تا پل بود و دو تا محور مشخص پاتک می‌کرد. **راوی:** آرایش دشمن در پاتک چگونه بود؟

برادر عزیز جعفری: بعد از شروع آن پاتک اول که دشمن داخل جزیره نمی‌شد و سعی می‌کرد که پل‌ها را حفظ بکند، هفت هشت، ده روز بعد پاتکش شروع شد، با تانک و پیاده از پل‌ها آمد داخل و چون ما هم نزدیک پل نبودیم و یک فضای زیادی را خودبه‌خود ما موضع پدافندی نداشتیم، آمدیم

از محور دژ غربی و در این جناح
چپ دشمن خیلی فشار آورد و
گفتم چون خاکریز نداشتیم آن
جریان عصا [شکل] پیش آمد و
جناح گرفته بود.

مستقر بود و در سمت چپش هم باز لشکرهای ۳۱ عاشورا و ۸ نجف که آن روزهای اول فشار رویشان زیاد بود آنها آزاد شدند از خط و مجدداً اینها سریعاً وارد جزیره شدند و برای این دو تا پاتک‌ها این دو تا لشکر بودند که اگر اینها نبودند معلوم نبود سرنوشت جزیره چه می‌شد. از همان محور دژ غربی و در این جناح چپ دشمن خیلی فشار آورد و گفتم چون خاکریز نداشتیم آن جریان عصا [شکل] پیش آمد و جناح گرفته بود.

بررسی اتفاقات از قبل پیش‌بینی نشده - تحرکات هواپیماها و هلی‌کوپترهای دشمن*

برادر عزیز جعفری: پاتک‌های دو روز دوم، یعنی مرحله دوم در قسمت شرقی جزیره بود. راوی: در حین عملیات چه اتفاقاتی پیش آمد که آنها را از قبل پیش‌بینی نکرده بودید؟ برادر عزیز جعفری: یک مسئله مربوط به ترابری نیروها با هلی‌کوپتر بود؛ ما روی انتقال نیروها با هلی‌کوپتر در روز

حساب کرده بودیم، اما هواپیماها و هلی‌کوپترهای دشمن مانع از این کار شدند و تقریباً در هور ما ترابری زیادی نمی‌توانستیم انجام بدهیم. شب‌ها هم به‌علت مشکلات چراغ‌کشی و ... انتقال هم دیر انجام می‌شد و هم میزان آن کم بود. یک مسئله حرکت هواپیماها و هلی‌کوپترهای دشمن بود که مانع از این پرواز می‌شدند. یک مسئله دیگر که آن هم پیش‌بینی

* نوار شماره ۱۴۲۸۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه با برادر عزیز جعفری فرمانده فرارگاه حنین در عملیات خیبر، راوی: علیرضا تاجیک، تاریخ ضبط: ۱۳۶۳/۱/۱۶، در منطقه جدید فرارگاه نجف، مدت نوار ۳۰ دقیقه.

بود که آن حمله انجام شد و دشمن تارومار شد و یک روز متوقف شد ولی روز بعد ادامه داد و در همین گیرودار که دشمن نوک خاکریز ما را گرفته بود و می‌خواست از ما جناح بگیرد و ما را دور بزند تیپ المهدی در محور طلاییه خودش را به دشمن نزدیک کرد و خاکریز زد. دشمن از آن محور احساس خطر کرد و فکر کرد بچه‌ها می‌خواهند از آن محور داخل بشوند و فشارش را از اینجا برداشت و توپ‌هایش را برد آن طرف و کلاً از آن به بعد فشار دشمن در جزیره قطع شد ولی در آخرین فشار دشمن در آن پاتک آخر حساس‌ترین شرایط را داشت که شدیداً احساس خطر کرده بودیم و به وضع عجیبی رسیده بود. دو تا پاتک داشت آن پاتک دو سه روز اول که از محور دو تا پل آمد داخل شد ما در قسمت سمت راستی جزیره یعنی قسمت غربی جزیره خاکریز را تکمیل‌ترش کرده بودیم و تقریباً حدود یک کیلومتر، یک کیلومتر و نیم دیگر خاکریز مانده بود که وصل بشود دشمن یک فلشش را از محور ضلع غربی جزیره جنوبی گذاشت و یک فلش را هم از محور وسط گذاشت و در آن دشت سمت راست باز شد و به سمت خاکریز آمد. آن گوشه خاکریز که نزدیک ضلع غربی بود و هنوز خاکریز زده نشده بود را نقطه ضعف گرفت و دشمن آمد حتی خاکریز را گرفت ولی بچه‌ها دوباره با تکبیر و الله‌اکبر به او هجوم بردند و نیروهای دشمن را به عقب راندند همین بود فقط و بعد دیگر تقریباً شبش هم آن خاکریز را تقریباً کامل ترکردیم، [لشکر] علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) هم یک کانال زد در آن محوری که خاکریز وصل نبود و تقریباً دشمن آنجا متوقف شد. فشارهای بعدی هم که می‌آورد خیلی موفق نبود تا اینکه متوقف شد و در آن پاتک دوم از جناح راست ناامید شد و فشارش را گذاشت روی قسمت سمت چپ و چون سمت چپ خاکریز نبود از محور دژ غربی که [تیپ] سیدالشهدا (ع) آن موقع

یک مسئله دیگر که آن هم پیش‌بینی نشده بود همین آرایش و وضعیت ضلع جنوبی جزیره بود که به هیچ وجه قابل پدافند نبود و این موضوع برای حفظ خود جزیره مشکل زیادی را برای ما ایجاد کرد.

برادر عزیز جعفری: شیوه دفاع ما که به دلیل نداشتن جاده و مشکلات ترابری خیلی ضعیف بود، از نظر وضعیت پدافندی هم، یک تعدادی دستگاه مهندسی داخل خود جزیره بود که هرروز تعدادی از آنها را می زد و تعداد آنها کم یا خراب می شدند و به این ترتیب ما دستگاهی نداشتیم که بتوانیم خاکریز بزنیم، ولی با همین دو سه تا دستگاه خاکریزها را به همدیگر وصل می کردیم، اگر اینها [دستگاهها] را نداشتیم معلوم نبود که این جزیره چگونه باید حفظ می شد. اصلاً حفظ می شد یا نه و این لطف خدا بود که این دستگاهها آنجا بودند و بچه ها هم استفاده می کردند؛ وضع به همین شکل بود تا بعد که دستگاه وارد شد. درمورد شکل و شیوه دفاع در همان روزهای اول، همان طور که گفتم به دلیل وضعیت خاص ضلع های جنوبی جزیره ما قادر به پدافند در آنجا نبودیم و چند روز در آنجا ایستادیم و تلفات زیادی هم دادیم، بعد از اینکه دیدیم نمی توانیم پدافند بکنیم، آمدیم عقب تر و موضعی را انتخاب کردیم و شروع کردیم به خاکریز زدن. زیر فشار سه روز اول، ما حتی خاکریزهای مان تکمیل نبود و جناح های خاکریزها باز بود و در دو سه روز دوم نیز به همین شکل بود؛ یعنی دشمن روی خاکریز پدافندی مان که هنوز خاکریز کاملی نبود، فشار زیادی می آورد. از نظر پشتیبانی آتش، ما گلوله توپخانه زیاد نداشتیم یک سری توپ بود که در خشکی این طرف گذاشته بودیم، بیشترشان هم توپ ۱۳۰ و کاتیوشا بود که نمی توانست پشتیبانی کامل و دقیقی کند و فقط در این روزهای آخر چند قبضه توپ ۱۰۵ و ۱۵۵ آمدند که با کمی مهمات یک مقداری کار کردند و در واقع بچه ها با نیروی ایمان شان ایستادند و زیر فشار آتش و پاتک های دشمن مقاومت کردند و این مقاومت ها جداً بی نظیر بود و این درسی شد برای دشمن و او می دانست که ما با این همه کمبودها، نداشتن جاده و عقبه و ...، آمدیم. در این وضعیت دشمن تعجب

پاتکها و فشارهای بعدی، ما آتشی نداشتیم در حالی که دشمن از [پشتوانه] آتش خیلی زیادی برخوردار بود. در واقع فشاری از طرف ما به دشمن وارد نمی شد که او مقاومت کند. در پاتکهایش هم نیروهایش ضعیف عمل می کردند. به عبارت دیگر با این هیچی نداشتن ما و ضعف هایی که داشتیم دشمن خیلی ضعیف برخورد می کرد و اکثراً از پشتیبانی آتش استفاده می کرد که فقط مسئله توپخانه و آتشهایش مسئله ساز شده بود.

یگان های دشمن و استعداد آنها در پاتکها

راوی: استعداد دشمن موقع پاتک چقدر بود؟ کدام یک از یگان های دشمن عملیات کردند؟ برادر عزیز جعفری: دشمن همیشه در جزایر گنجایش چندانی نداشت، ولی در همین گنجایش کم، هم با سه الی چهار تیپ هرروز فشار می آورد، پاتک می کرد و مرتب این تیپها، به ویژه تیپ های پیاده اش را عوض می کرد. تیپ زرهی و مکانیزه اش که در سه روز اول تا چهارم منهدم شد. در همان هفت هشت روز بعد از عملیات، دشمن فشار آورد و ما یک انهدام کامل از آن انجام دادیم در یک شب و بعد از این انهدام حدود پنج شش روز متوقف شد. مجدداً آن دو تا پاتک را انجام داد؛ یعنی قبل از این دو تا پاتک با تیپ های زرهی و مکانیزه لشکر ۶ و تیپ ۲۵، تیپ زرهی اش را یادم نیست یک فشار دیگر گذاشته بود. اسامی تیپها دقیقاً یادم نیست، ولی با یک تیپ زرهی بود و یک تیپ مکانیزه و دو سه تیپ پیاده و در هر پاتک تیپ های پیاده را مرتب عوض می کرد.

چگونگی و میزان موفقیت نیروهای خودی در مقابل پاتک های دشمن

راوی: شیوه دفاع و میزان موفقیت های ما در مقابل پاتک های دشمن به چه صورت بود؟

ما است. یک قسمت، حدود هزار کیلومتر مربع، هور است که آزاد شده است و حدود ۴۰، ۵۰ کیلومتر مربع از محور طلایه جدید و قدیم است که بچه‌ها پیشروی کردند و آزاد شد.

ابتکارات به کار رفته و تجربیات به دست آمده در عملیات

راوی: در این عملیات چه تجربیاتی به دست آوردید؟

برادر عزیز جعفری: یک تجربه اساسی این عملیات اهمیت عقبه و داشتن جاده است، البته این را از قبل هم می‌دانستیم، باز اینجا به اهمیت آن بیشتر پی بردیم که بدون عقبه هر چقدر که ما بخواهیم به راه‌های دیگر [برای تأمین نیازهای تدارکاتی و...] فکر نکنیم، مشکلات زیادی داریم یا برای ما پیش می‌آید. چون اینجا هم این قدر قایق و هلی‌کوپتر پیش‌بینی شده بود، ولی درست کار نشد و به‌علت وسعت منطقه این برآورد دقیقی نبود، البته بیش از این هم برای سپاه امکان نداشت که اینها را فراهم بکند. بنابراین مسئله عقبه موضوع مهمی بود. مسئله دیگر سرعت عمل در ادامه تک بود و اینکه ما نباید هیچ‌جا متوقف بشویم؛ یعنی یک جایی را که می‌گیریم سریع باید نیرو پشتش آماده باشد و امکانات ادامه تک هم فراهم باشد که بلافاصله بعد از آن ادامه بدهیم و متوقف نشویم. این هم تجربه دیگری بود که به دست آمد. تجربیاتی هم در مورد برخورد با موانع است که با حل کردن مسئله کمین ما می‌توانیم موانع و مشکلات موانع را پشت سر بگذاریم. (راوی: این تجربه در کجا بود؟) در طلایه. مسئله هماهنگی خیلی مهم است هماهنگی بین قرارگاه‌ها و برآوردهای دقیق و حساب دقیق برای ادامه تک؛ به‌خصوص مسئله هماهنگی بین قرارگاه‌ها و لشکرها، این هماهنگی هم در رابطه با کسب آمادگی و میزان آمادگی و هم در خود عملیات، مسئله مهمی است.

کرده بود، چه جوری این بچه‌ها توی این خاکریزها می‌مانند و زیر این همه آتش که می‌ریزد باز هم وقتی نیروهایش را می‌فرستد پشت خاکریز باز نیروهای ما بودند و جواب حملاتش را می‌دادند و این باعث تعجب آنها شده بود که حتی اسرا هم به این موضوع اذعان می‌کردند.

راوی: نتایج و تأثیرات پاتک دشمن در کل عملیات چه بود؟

برادر عزیز جعفری: هیچ، دشمن در کل پاتک‌هایی

که داخل جزیره انجام داد فقط توانست جاهایی را بگیرد که خالی بود؛ بچه‌ها فقط حدود دو کیلومتر از دژ شرقی که دست تیپ سیدالشهدا (ع) بود آمدند عقب‌تر و آن هم به این دلیل بود که سمت راستش بیابان و دشت باز بود و ما خاکریز پدافندی نداشتیم و از سمت راست دائماً دشمن نیروهای مان را دور می‌زد و از پهلو به آنها می‌زد، و الا به غیر از این، ما هر جایی خاکریز داشتیم و خاکریز می‌زدیم این خاکریز دیگر حفظ می‌شد.

درحقیقت جاهایی که دشمن آمد در این یک‌سوم یا یک‌چهارم جزیره، تقریباً خود ما خالی گذاشته بودیم و به دلیل اینکه موضع نداشتیم و نمی‌توانستیم پدافند بکنیم، آمدیم عقب و دشمن آمد و گرفت این کل نتایج پاتک‌هایش بود، کار عمده دیگری در جزیره انجام نداد.

راوی: وسعت منطقه آزاد شده در این عملیات چقدر بود؟
برادر عزیز جعفری: منطقه آزاد شده سه قسمت است: یک قسمت جزایر است که منطقه‌ای است حدود ۱۴۵ کیلومتر مربع که آزاد شده و الآن دست

در این عملیات به دلیل وضعیت خاص آن، فشار شدید و آتشی که دشمن روی جزیره می‌ریخت هر لشکری را که به جزیره آوردیم، توانش را از دست می‌داد.

که وارد می‌کرد، باز در هر پاتکی که انجام می‌داد شاید ما ۳۰، ۴۰ دستگاه تانک از آن را می‌زدیم و تعدادی هم بالاخره کشته می‌شدند، آنچه مسلم بود، دشمن نیروی زیادی را آورده بود و مرتب نیروهایش را تعویض می‌کرد. اینکه حالا ضربه‌ای در این حد خورده یا وضعی‌ش به چه شکلی است دقیق نمی‌دانم.

بررسی نقاط ضعف و قوت خودی و دشمن در عملیات

راوی: نقاط ضعف و قوت خودمان در این عملیات چه بود؟

برادر عزیز جعفری: به نظر من نقطه ضعف نداشتیم؛ نقطه ضعف ما فقط مربوط به مشکل عقبه و ترابری بود. از نقاط قوت هم می‌توان به این روحیه‌ای که بچه‌ها از اول عملیات داشتند اشاره کرد و این سابقه و زمینه‌ای که از قبل از عملیات چیده شده بود در رابطه با حسین‌وار جنگیدن و این آمادگی و استقامت و

پایداری که قبل از عملیات به همه نیروها داده شده بود. این نقطه قوت مهمی بود که ما داشتیم در این عملیات و اگر می‌خواستیم به شکل عملیات‌های دیگر بجنگیم این مقاومتی که در جزیره انجام شد، انجام نمی‌شد. البته اینها را هم همه‌اش را از خدا می‌دانیم و کمک و لطف خداوندی بود. این نقطه قوت در جزیره فقط استقامت و پایداری نیروها بود که جزیره را نگه داشت.

راوی: نقاط ضعف و قوت نیروهای دشمن چه چیزهایی بود؟

راوی: در مورد ابتکاراتی که در این عملیات به کار بردید توضیح بدهید؟

برادر عزیز جعفری: منظور شما ابتکارات مربوط به عملیات است یا ابتکارات کار پشتیبانی که انجام شده است؟

وضعیت نیروهای خودی و دشمن بعد از عملیات

راوی: وضعیت نیروهای عمل‌کننده بعد از عملیات چگونه بود؟

برادر عزیز جعفری: در این عملیات به دلیل وضعیت خاصی که داشت و فشار شدید و آتشی که دشمن روی جزیره می‌ریخت هر لشکری را که به جزیره آوردیم، توانش را از دست می‌داد و از لحاظ کادر تلفات زیادی در جزیره می‌دادیم، این مسئله طبیعی بود، چون وقتی می‌خواهیم در مقابل فشار دشمن و آتش و پاتکش بدون عقبه بایستیم و بجنگیم، مسلم است که از جان و خون باید بدهیم. هر لشکر شاید ۲۰ درصد یا ۳۰ درصد دیگر از توانش مانده بود و بعد از عملیات باید بازسازی می‌شد تا بتواند دشمن را منهدم کند.

راوی: وضعیت نیروهای دشمن بعد از عملیات چگونه بود؟

برادر عزیز جعفری: من فقط جزیره را می‌گویم که دشمن لشکر ۶ خودش را وارد کرد و این لشکر که از اول جنگ ضربه‌ای نخورده بود، دو تا تیپ سازمانی‌اش تقریباً منهدم شد و بقیه نیروهایش هم چند درصد توی چندین مورد انهدامی که این چهار گردان خارج شدند از جزیره یک مقداری انهدام از شان گرفتند و در آن پاتکی که چند روز اول انجام داد داخل جزیره شد و انهدام نیرو انجام شد، از آن یک تیپ زرهی‌اش بود و یک تیپ پیاده‌اش که اینها به کلی منهدم شدند و ضربه حسابی خوردند. ولی در پاتک‌های دیگر دشمن این تیپ‌های پیاده

بچه‌های ما همه براساس عقیده می‌جنگند و درمورد یک چیزی باید توجیه بشوند و قبول داشته باشند تا بتوانند بجنگند.

کشیدند. کمک و همکاری و مددکاری می‌کردند و خیلی از هلیکوپترهایشان را زدند.

راوی: چندتا؟

برادر عزیز جعفری: یک تعدادی نمی‌دانم سه چهارتا شنوک و یکی دو تا کبری بود، کبری نه، ۲۱۴، دقیق نمی‌دانم البته یک تعدادشان مرتباً خراب می‌شدند، ولی با همین‌هایی که داشتند و زیر فشار آتش و مشکلات، شبانه‌روزی پرواز کردند و در مجموع هوانیروز عملکرد خوبی داشت و خیلی پشتیبانی کردند.

نقش نیروی دریایی سپاه و جهاد در عملیات

برادر عزیز جعفری: نیروی دریایی سپاه خیلی کمک کرد ولی به دلیل نداشتن نیروهای سکانی و آموزش دیده، خوب نتوانست از قایق‌هایش استفاده بکند. سازمانش زود از هم پاشیده شد و قایق‌ها سریع از کار می‌افتادند و خراب می‌شدند و از رده خارج می‌شدند، به طوری که هفت هشت روز بعد از عملیات، از حدود ۷۰۰، ۸۰۰ تا قایق شاید ۲۰۰ فروند سالم مانده بود و این ضعف زیادی بود. ارگان‌های دیگر زیاد نقشی نداشتند فقط جهاد بود که در ساختن پل و طرح آن، طرح این پل را جهاد داده، ولی ساختن آن به عهده خود سپاه بود مشارکت داشت، جهاد هم نقش دیگری نداشت فقط ساختن یک جاده خاکی را شروع کرده که خشکی را به جزیره وصل کند.

عملکرد واحد مهندسی رزمی سپاه در عملیات

راوی: در این عملیات عملکرد مهندسی رزمی سپاه چگونه بود؟

برادر عزیز جعفری: عملکرد مهندسی خوب بود، تقریباً در رابطه با ساختن و نصب این پل یا در زدن خاکریزهایی که به آنها واگذار شده بود خوب کار کرد و خوب عمل کرد؛ شکسته نشدن خط باعث عدم پیشروی بود، ولی کار مهندسی خوب بود.

برادر عزیز جعفری: نقاط ضعف دشمن که طبق معمول همان، ضعف و زبونی نیروهایش بود که به وضوح مشخص بود. در این پاتک‌ها دشمن علی‌رغم اینکه جلوی باز بود و ما خط پدافندی نداشتیم [کاری نکرد]، حتی به یک مرحله‌ای رسید که از ما جناح گرفت و به راحتی می‌توانست ادامه بدهد و نیروهای ما را دور بزند ولی این کار را نمی‌کرد و این به خاطر ترسی بود که در دل نیروهایش افتاده بود؛ می‌ترسیدند بیایند بگیرند. یعنی هر نیرویی را که می‌فرستاد بیایند جلو با یک ذره فشار و آتش پس می‌زدند و جلو نمی‌آمدند و کلاً این ضعف در بین نیروهای ارتش عراق دیده می‌شد. این دفعه که خیلی ضعیف پاتک می‌کردند و نمی‌دانم دلیلش چه بود ما آن را حتماً لطف و رحمت الهی می‌دانیم و رعب و وحشتی که در دلشان انداخته بود. قوتش فقط آتش‌شان بود هیچ چیز دیگری نبود، فقط آتش پشتیبانی و آتش توپخانه‌اش بود که نقطه قوتش بود و در مقابل از این طرف نقطه ضعف ما همین نداشتن آتش بود که گفتم به دلیل نداشتن عقبه نمی‌توانستیم روی دشمن آتش بریزیم. نقطه ضعف ما عمدتاً نداشتن آتش بود. نقطه قوت دشمن تمرکز آتش او و آتش انبوهش بود.

عملکرد و موفقیت هوانیروز در عملیات

راوی: در این عملیات عملکرد هوانیروز چه مقدار بود و چقدر در کارش موفق بود؟

برادر عزیز جعفری: البته هوانیروز به دلیل حضور خود سرهنگ جلالی فرمانده هوانیروز در صحنه نبرد و حزب‌اللهی بودن ایشان خوب عمل کرد، ولی ما بیشتر از این توقع داشتیم از اینها و بیشتر روی آنها حساب می‌کردیم. طبق صحبتی که خودشان قبل از عملیات می‌کردند خودشان هم در برآوردشان اشتباه کردند و گفتند ما بیش از این توان و کشش کار را داریم، ولی در عمل آن پیاده نشد. البته زحمت زیادی

این طرف نمی‌توانستیم توپ داخل جزیره ببریم، از داخل خشکی این طرف هم با آن دیده‌بانان زاویه دید پیدا می‌کرد و نمی‌توانستند خوب پشتیبانی بکنند. برد توپ‌ها هم نمی‌رسید فقط ۱۳۰ می‌رسید و کاتوشا که یک قسمت آن را می‌پوشاند. این بود که آن بندگان خدا تلاش‌شان را کردند، ولی به دلیل مشکلات عملیات و ... پشتیبانی آتش خوب نمی‌توانست انجام بگیرد.

اصول رعایت شده در عملیات و استراتژی عملیات

راوی: از چه اصل‌هایی در این عملیات استفاده کردید؟

برادر عزیز جعفری: باتوجه به ضعفی که دشمن در این جناح هور داشت ما کلاً از اصل غافلگیری استفاده کردیم و گرفتن جناح از دشمن، و گرفتن همین جناح هور هم با استفاده از اصل غافلگیری و مسئله حفاظت بی‌نظیری که قبل از عملیات رعایت شد صورت گرفت. از این دو تا اصل کلاً استفاده کردیم: اصل غافلگیری و گرفتن جناح از دشمن. البته تمرکز نیرو نمی‌شود به آن گفت چون پخش شده بودیم از همان دو تا اصل استفاده شد.

راوی: استراتژی کل این عملیات چه بود؟

برادر عزیز جعفری: استراتژی این عملیات هدف بصره بود، که هنوز ادامه دارد عملیات و مرحله‌ای از آن انجام شده است. ما انتظار داشتیم در عرض یک هفته به این کار خاتمه بدهیم، الآن طولانی شده و با گرفتن این جایها می‌خواهیم حرکت به طرف بصره را ادامه بدهیم و ضمن این پیش‌رفتن مسلماً انهدام نیرو هم بود.

چگونگی ادغام نیروهای سپاه با ارتش و بحث وحدت فرماندهی در عملیات

راوی: چرا در این عملیات مسئله ادغام با ارتش نبود

بررسی مختصر عملکرد واحد اطلاعات عملیات و طرح عملیات

راوی: عملکرد بقیه واحدهای قرارگاه مثل اطلاعات عملیات و طرح عملیات چگونه بود؟

برادر عزیز جعفری: اینها به دلیل مشکل خاص منطقه زیاد کارایی نداشتند؛ یعنی اطلاعات عملیات آن کارایی که در عملیات‌های دیگر می‌توانست داشته باشد اینجا نمی‌توانست داشته باشد.

راوی: اطلاعات عملیات چه کارهایی در این عملیات کرد، شناسایی‌ها را که انجام داد؟

برادر عزیز جعفری: نه، شناسایی‌هایی بود که قبلاً انجام می‌داد، طرح و عملیات قرارگاه را اگر می‌خواهی؟ (راوی: همان قرارگاه) از همین ۱۰، ۱۵ روز قبل از عملیات که آمد همین کارهای شناسایی را در دست گرفت و هماهنگی‌های شناسایی و کارهای دیگری هم بود که مثلاً در این آبراه‌ها و هور، چراغ‌کشی و علامت‌گذاری می‌کرد و این کارها را انجام داد.

راوی: از این شناسایی اطلاعات عملیات خود قرارگاه در عملیات چقدر استفاده شد؟

برادر عزیز جعفری: نیروهای دیگری قبلاً شناسایی کرده بودند که از شناسایی آنها استفاده شد.

راوی: پس در اصل شناسایی را اطلاعات عملیات انجام نداد؟

برادر عزیز جعفری: بله، اطلاعات عملیات ما فقط آمد آن را دست گرفت، ولی قبلاً شناسایی‌ها را قرارگاه نصرت انجام داده بود.

چگونگی عملکرد واحدهای بهداری، تدارکات و توپخانه در عملیات

راوی: واحدهای دیگر مثل بهداری و تدارکات و [توپخانه] چه کارهایی در عملیات انجام دادند؟

برادر عزیز جعفری: آنها هم کارهای خودشان را کردند. توپخانه به دلیل مشکلی که داشتیم و ما از

یک محور عمل بکند با فرماندهی خودش و سپاه هم در یک محور با فرماندهی خودش. البته این هم اشکالاتی دارد که باید اشکالات این هم یک مقدار بیشتر بررسی و حل بشود.

راوی: این مسئله چه مشکلاتی را به وجود آورده بود؟ آیا این طرح موفق بود؟

برادر عزیز جعفری: نه، این هم به این شکل طرح موفق نبود چون وقتی که نیروهای ما می‌روند زیر امر ارتش، رتشی‌ها یک نظراتی دارند، یک طرح‌هایی دارند که وقتی به اجرا درمی‌آورند، با این فکرها و با شیوه کار لشکرهای ما نمی‌خواند؛ بچه‌های ما همه براساس عقیده است که دارند می‌جنگند و درمورد یک چیزی باید توجیه بشوند و قبول داشته باشند تا بتوانند بجنگند، وقتی یک دستوری را قبول ندارند و مثلاً می‌دانند غلط است یا وقتی به ایشان می‌گوییم یعنی اصلاً خود جنگ این‌جوری است، کسی که می‌جنگد باید توجیه باشد، باید قبول داشته باشد و بجنگد در همه رده‌ها اگر این شکل برداشته شود و به اصطلاح دستور آمد روی کار و یک چیزی که آدم به آن عقیده ندارد و بخواهد بجنگد مسلماً غلط از آب درمی‌آید و نمی‌شود کلاً به این شکل عمل کرد، اشکالاتی دارد. بعد مسئله‌ای هست که نیروهایی که از سپاه می‌روند با ارتش کار بکنند به دلیل همین مسئله، چیز درست و صحیحی از آب در نمی‌آید و نیروهای کیفی هم پخش می‌شوند، یعنی نیروهای کیفی در یک‌جا تمرکز داده نمی‌شوند و نیروهای کیفی پخش می‌شوند و کار خوب انجام نمی‌گیرد. نیروهایی هم که از ارتش هستند و می‌آیند زیر امر سپاه، حالا در این عملیات البته موقعیتش هم نبود که به کار گرفته بشوند، ولی به نظر می‌رسید که خوب شاید نتوانیم آنها را به کار بگیریم و استفاده بکنیم یعنی با شیوه‌هایی که داریم و آنها هم شیوه‌های مخصوص خودشان را دارند تا به حال پیش نیامده که ما از آنها استفاده کنیم، شاید هم بتوانیم....

و به این صورت جدا از هم عملیات انجام گرفت؟
برادر عزیز جعفری: درمورد مسئله ادغام با ارتش باید بگویم در این عملیات‌های اخیر همیشه ادغام‌ها به نحو خوبی انجام نمی‌شد و بچه‌ها نمی‌توانستند خوب با نیروهای ارتش ادغام شوند و کادرهای نیروهای ارتش مثلاً کشتش نداشتند با بچه‌ها کار بکنند و جنگ هم که سخت شد، دیگر جنگ‌های قبل از عملیات گذشته و سابق، ابتدای کار بود و عملیات به این سختی خیلی نبود در این سختی‌ها این مشکلات بیشتر بروز کرد و آشکار شد و عمدتاً ارتش هم مسئله وحدت فرماندهی را مطرح کرد و آنها، این اشتراک فرماندهی را که در قبل بود دیگر، اینها قبول نداشتند و یک سال است که مسئله وحدت فرماندهی را مطرح می‌کنند و در رابطه با این شکل عملیات، اینها حرف دارند و مسئله دارند. تا اینکه در عملیات والفجر ۴ ما دقیقاً به این مشکل اشتراک فرماندهی رسیده بودیم و دیگر نمی‌شد که به آن شکل سابق عمل کنیم و این مسئله کشیده شد به امام و شورای عالی دفاع و اینها آمدند این شکل کار نیروهای ارتش و سپاه را تغییر دادند و قرار شد که برای رعایت مسئله وحدت فرماندهی ارتش در یک نقطه عمل بکند با فرماندهی خودش و سپاه در یک نقطه با فرماندهی خودش، ولی نیروهایی از ارتش و سپاه زیر امر همدیگر بروند؛ یعنی ما چند لشکر بدهیم به ارتش و آنها هم چند لشکر بفرستند زیر امر ما و دوتا محور انتخاب بکنیم برای حمله که این پیشنهاد بود، نمی‌دانم پیشنهاد شورای عالی دفاع بود یا کس دیگری، و به تصویب امام هم رسید و همین اجرا شد. یعنی البته این جدایی نبود یعنی آن اشتراک فرماندهی که سابق بود این را ارتش اشکال می‌داند و می‌گوید به این شکل نمی‌شود عمل کرد و این مسئله دارد، مشکل دارد و برای حل این مسئله و مشکل، این راه‌حل پیشنهاد شد که فرماندهی‌ها حفظ بشود وحدت فرماندهی‌ها حفظ بشود، ولی ارتش در